

## امضای «موافقتنامه امنیتی» توسط دولت مزدور، تسجیل تداوم اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیسم امریکا در افغانستان بوده و شدیداً محکوم است!

بتاریخ 30 سپتمبر 2014 (8 میزان 1393) «موافقتنامه امنیتی..» و «موافقتنامه وضعیت قوای» اشغالگر در افغانستان توسط دولت مزدور برهبری غنی احمد زی امضا گردید. این «موافقتنامه...» بخشی از پیمان ننگین و خاینانه ایست که بنام «اعلامیه همکاریهای استراتژیک- کابل واشنگتن» بتاریخ اول ماه می سال 2012 (12 ماه ثور سال 1391) توسط کرزی مزدور و بارک اوباما رئیس جمهور ابر قدرت امپریالیستی امریکا به امضا رسید است. امضای این «پیمان» توسط دولت فنودال کمپرادوری نوکراستعمار و امپریالیسم در واقع تسجیل ادامه اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیسم امریکا و ناتو در افغانستان است. امضای این «پیمان» لکه ننگ دیگری از وطنفروشی و خیانت ملی برجبین دارودسته های خاین و وطن فروش، جنایتکار و قاتل مردم افغانستان شامل در دولت استعماری است. خلق افغانستان در طول تاریخ وجودی اش بامبارزات شجاعانه در برابر تهاجم نظامی استیلاگران و قدرتهای استعماری و امپریالیستی تا پای جان مقاومت کرده و هیچگاه تسلیم دشمن نشده اند. اما برخلاف طبقات حاکم ارتجاعی در این باره کارنامه سیاه و ننگینی دارند و در مقاطع مختلف تاریخ در برابر نیروهای سلطه گرو قدرتهای استعماری و امپریالیستی سرفرو آورده و زانوزبزمین زده اند. «پیمان استراتژیک...» با امپریالیسم امریکا و ناتو در ماهیت طبقاتی و سیاسی اش همانقدر خاینانه و ننگین است که معاهده جمرود (توسط امیر دوست محمد)، معاهدات لاهور و قندهار (توسط شاه شجاع)، معاهده گندمک (توسط امیر محمد یعقوب)، معاهده دیورند توسط (امیر عبد الرحمان) و تائید آن توسط پسرش (امیر حبیب الله) با دولت استعمارگر بریتانیا به امضا رساندند؛ همچنین معاهدات ننگینی که تره کی- امین و ببرک- نجیب الله این جنایتکاران و خاینین به خلق و میهن باسوسیال امپریالیسم «شوروی» امضا کردند. و به همین صورت امضای معاهده ننگین «بن» در سال (2001) میلادی که توسط همه گروه های جنایتکار و خاین و وطن فروش منجمله رویونیستهای «سازمان رهائی- راوا» سلف «سازمان انقلابی» امضا گردید. غنی احمد زی و عبد الله که سرکردگی دودسته بندی از باندهای جنایتکار، خاین و وطن فروش را بعهده دارند، اکنون در رأس دولت دست نشانده قرار گرفته اند. اینها از جهتی نمونه ای از تحصیل کرده ها و «روشنفکران» خود فروخته و مزدور هستند که به خدمت امپریالیستهای امریکائی و ناتو قرار داشته و دارند. این مزدوران چون اسلاف شان این خیانت ملی را با ادعای دروغین «نماینده» از مردم افغانستان انجام دادند. در حالیکه خلق آزادیخواه افغانستان در برابر هیچ قدرت استعماری و امپریالیستی سرتسلیم فرو نیاورده و تا خروج آخرین فرد از نیروهای متجاوز و اشغالگر به جنگ و مقاومت ادامه داده اند، و معاهده ننگین کنونی برضد منافع ملی و طبقاتی خلق افغانستان بوده و بشدت مورد نفرت آنها قرار دارد. و اینکه مطبوعات امپریالیستها و دولت مزدور و دیگر گروه های جیره خوار امپریالیسم و «روشنفکران» تسلیم طلب و خود فروخته با تبلیغات گمراه کننده سعی میکنند، امضای این «معاهده» را در شرایط کنونی «نیاز» خلق و کشور قلمداد کنند، خیانت و شیادی است. در شرایط کنونی مانند سیزده سال قبل این فقط گروه های خاین و وطن فروش و ضد مردم هستند که جهت حفظ منافع طبقاتی و موقعیت ذلتبارشان به حمایت ارتشهای اشغالگر با داران امپریالیست شان نیاز دارند. و یا هم گروه ها و افرادی که طی سیزده سال اخیر از شرایط استعماری حاکم بر کشور به اشکال و شیوه های مختلف متمتع شده اند، از امضای این «پیمان» خاینانه استقبال میکنند. در حالیکه تداوم اشغال نظامی و سلطه استعماری امریکا و ناتو با خواستهای ملی و طبقاتی خلق افغانستان در تضاد کامل قرار دارد. لیکن دولت مزدور سعی میکند تا از طریق تبلیغات متوهم کننده و باتمسک قرارداد دادن خطر پاکستان و «مترسک» بازگشت طالبان و گلبدین حقانی، تداوم اشغال نظامی و تسلط استعماری امریکا را "توجیه" کند.

همچنانکه طی قرنهای بنا بر موقعیت جیواستراتژیک و اهمیت جیوپولیتیک آن همواره مورد تهاجم و تجاوز قدرتهای توسعه طلب و قدرتهای استعماری و امپریالیستی قرار گرفته است. در شرایط

13 سال قبل در وضعیت کنونی نیز امپریالیستهای امریکائی و متحدین آن به منظور تأمین منافع غارتگرانه شان در منطقه، افغانستان را به اشغال نظامی در آورده و سلطه استعماری شان را قایل کردند. و در شرایط کنونی که تضاد بین امپریالیسم امریکا و امپریالیستهای اروپائی عضو ناتو و امپریالیسم فدراسیون روسیه بر سر نفوذ و تسلط بر کشور اوکراین و گسترش بیشتر ناتو به اروپای شرقی حدت یافته است و از جانب دیگر قدرت گیری سوسیال- امپریالیسم چین من حیث یک ابر قدرت امپریالیستی که در آینده نزدیک یکی از رقبای مهم امپریالیسم امریکا و متحدین آن در منطقه شرق دور آسیای وسطی (از جمله افغانستان) و سایر مناطق جهان خواهد بود و همچنین تحولات سیاسی و نظامی در شرق میانه، ایجاد پایگاه های نظامی دایمی و تسلط استعماری در ازمدت بر افغانستان (چنانکه در بخش نظامی سند استعماری "معاهده استراتژیک" تذکر رفته است) از جمله پلانها و نقشه های شوم امپریالیسم غارتگر امریکا میباشد. و امضای این "معاهده" اسارت آور فقط در جهت تأمین منافع امپریالیسم امریکا و طبقات حاکم ارتجاعی در افغانستان بوده و بر ضد استقلال و آزادی کشور حق حاکمیت ملی مردم افغانستان است.

امپریالیسم امریکا و متحدین آن توسعه طلبی و سلطه گری شان را در کشورهای نیمه فنودالی و نیمه مستعمره در اوایل قرن بیست و یکم با تهاجم نظامی به افغانستان بتاريخ (7) اکتوبر (2001) آغاز کرده و با اشغال استعماری کشور دولت دست نشانده را تشکیل دادند. قدرتهای امپریالیستی طی 13 سال پالیسیهای استعماری شانرا علیه خلق افغانستان به دوشیوه به پیش برده اند: یکی از طریق نظامی (سرکوب و کشتار و تجاوز) بر توده های خلق و دیگری از طریق سیاسی ایدئولوژیک و فرهنگی. از جهت دیگر اینها تجاوز و اشغالگری نظامی و تسلط استعماری سیزده سال قبل را با تمسک به طرح توطئه استعماری امپریالیستی («فیصله شورای امنیت ملل متحد، اجماع بین المللی در مبارزه علیه تروریسم اسلامی») انجام دادند و اینک در دوم اشغالگری نظامی و تسلط استعماری را به منظور فریب اذهان خلق افغانستان و خلقهای جهان زیر نام امضای «پیمان استراتژیک» نام نهاد به پیش برده و باین صورت به خلقهای جهان نشان میدهند که حضور نظامی در ازمدت آنها در افغانستان گویا بنابر "خواست و فیصله" مردم این کشور است. در حالیکه خلق افغانستان از چنین "درخواست" و "پیمانی" ننگ دارند. و این طبقات ارتجاعی حاکم خاین و وطن فروش هستند که خواهان امضای چنین معاهدات ننگینی بوده و هستند. قدرتهای امپریالیستی امریکائی و اروپائی سالانه صدها میلیون دلار در عرصه های تبلیغ و ترویج ایده ها و افکار ارتجاعی و تسلیم طلبانه بمصرف رسانده اند. اینها چندین بار "انتخاباتهای" نمایشی براه انداختند که صحنه گردان اصلی این نمایشات مضحک هم گروه های خاین و وطن فروش و جنایتکار بوده اند. اینها بیش از (100) حزب سیاسی- ارتجاعی وابسته و مزدورشان را از گروه های خاین و وطن فروش و تسلیم طلب تشکیل داده اند، ده ها تلویزیون و بیش از یکصد رادیو و اضافه از چهار صد نشریه و ده ها انجمن "فرهنگی و مدنی" را تمویل میکنند و مشتکی «روشنفکر» مرتجع و خود فروخته و فرصت طلب و تسلیم طلب را بنام «صاحب نظر، تحلیلگر سیاسی و نویسنده» بخوان مشاطه گران نظام استعماری) «بخدمت گرفته اند تا به جعل و اقعیتها و تحریف حقایق پرداخته و اشغال نظامی و سلطه استعماری امریکا و ناتو را توجیه کنند. در جهت دیگر امپریالیستهای اشغالگر گروه های رویزیونیستی و اپورتونیستی تسلیم طلب منجمله «سازمان رهائی - راوا»، «سازمان انقلابی» و «ساما» و «ساما- ادامه دهندگان» و دیگر همپاله های آنها را بخدمت گرفته اند تا از طریق آنها اذهان توده های مردم نا آگاه را مغشوش سازند. امپریالیستهای اشغالگر در همین دور اخیر «انتخابات» رئیس اداره استعماری کابل حدود (200) میلیون دلار بمصرف رسانده اند تا گویا از این طریق برای دولت دست نشانده «مشروعیت» کسب کنند. و در نتیجه جریان "انتخابات" به صحنه رقابت در تقابل گسترده انتخاباتی بین گروه های ارتجاعی و مزدور میدل شده و کوس رسوائی آنها بصدا درآمد و سرانجام بامفتضحترین شکلی از دزد و زور یکی را من حیث رئیس دولت دست نشانده و دیگری را به سمت «رئیس اجرایی» آن منتصب کردند. و مطبوعات امپریالیستهای اشغالگر دولت مزدور و خادمان آنها در داخل و خارج کشور بطور گسترده درباره ای آن تبلیغ میکنند. و برای عامی ترین افراد هم ثابت گردید که "دموکراسی"

درفرهنگ سیاسی امپریالیسم و طبقات ارتجاعی خاصاً در شرایط سلطه استعماری امپریالیسم ترفند و شیادی بیش نیست.

مردم افغانستان خاصاً روشنفکران مردمی و مترقی باید بیش از این با ترفندها و نیرنگهای قدرتهای امپریالیستی و طبقات حاکم ارتجاعی نوکر آنها فریب نخورند. نظام همان نظام استعماری و دولت کنونی ماهیتاً همان دولت تحت رهبری کرزی مزدور است. بعبارت دیگر ادامه ای همان گند استعمار و امپریالیسم و ارتجاع است که دساتیر قدرتهای امپریالیستی اشغالگر را به منصفه اجرا میگذارد. دولت و حکومت کنونی متشکل از همان باندهای خاین و میهن فروش و ضد مردم افغانستان است که طی سی و هشت سال اخیر علیه توده های مردم جنایت و خیانت تجاوز و تعدی و غارتگری کرده اند. سردسته های جدید باندهای رهن ( غنی احمدزی و عبدالله ) لاجرم به شیوه های جدیدی از ترفند و عوام فریبی متوسل خواهند شد. و این هر دو مزدور طبق گفته های شان اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیستهارا " قانونمند" کردند. و دولت استعماری تحت رهبری کرزی مزدور را که در باتلاق فساد و رشوه خواری و دزدی و غصب املاک و اموال عامه و مردم و باندهای مافیائی غرق شده بود، آرایش دوباره خواهند داد؛ اما رشوه، دزدی، اختلاس، فساد اداری و مالی به اشکال دیگری ادامه خواهد یافت. زیرا افراد هر دو جناح تشکیل دهنده دولت تحت رهبری غنی احمدزی داستانهای از دزدی، رشوه خواری، اختلاس، غصب اراضی و املاک و فساد گسترده مالی و اداری، شرکت در معاملات باندهای مختلف مافیائی طی 13 سال اخیر و قبل از آنرا در دوسیه های شان دارند. ولی غنی احمد زی در روزهای اخیر در این باره گفت: " گذشته راصلوات". چنانکه در دور حکومت کرزی مزدور این باندهای وطن فروش و قاتل مردم افغانستان جنایات قبل از 13 سال اخیر شانرا خود «عفو» کردند و از طریق پارلمان استعماری آنرا «قانونیت» داده و کرزی مزدور آنرا توشیح کرد! و نیز برخلاف انتظارات عده ای ساده انگار، دولت دست نشانده استعمار بنا بر سرشت طبقاتی اش اگر اقداماتی را در راه " رشد اقتصادی" کشور انجام دهد آنهم رشد زیربنای بخش اقتصاد (ملی) نخواهد بود و سعی خواهد کرد تا زمینه های بهره کشی و چپاولگری را برای سرمایه های کمپرادوری و سرمایه های امپریالیستی و سوسیال امپریالیسم چین و سرمایه های کمپرادورهای پاکستانی، هندی، ایرانی، ترکی و دیگران را در سطح وسیعتری فراهم نماید که باز هم به تشدید استثمار توده های خلق و خانه خرابی و فقر فزاینده آنها خواهد انجامید. و بیکاری، فقر و گرسنگی، گسترش اعتیاد به موادمخدر، شیوع ایدز، توبرکلوز و ملاریا و امراض روانی و دیگر مصایب و بدبختیهای مردم تحت شرایط سلطه استعماری امریکا و ناتو و حاکمیت دولت دست نشانده کمافی السابق ادامه خواهد یافت.

غنی احمدزی بعنوان رئیس جدید دولت دست نشانده در روزامضای «موافقتنامه» استعماری چنین گفت: " امروز روزی است که افغانستان حاکمیت ملی خود را بصورت اساسی بدست آورده است. ما منحیث یک کشور مستقل این قرارداد را بر اساس مصالح و نیازهای خود امضا کرده ایم". باین صورت او منحیث یکی از مهره های مهم امپریالیسم امریکا در دولت دست نشانده درسیزده سال اخیر بوضوح اذعان میکند که در 13 سال گذشته افغانستان کشور مستقل نبوده و حاکمیت ملی وجود نداشته است. و اکنون که او باندهای رهن همکار او که این معاهده خایانه و رهنانه را امضا کردند، افغانستان را «کشور مستقل» و داری «حاکمیت ملی» می خواند. زهی بیشرمی و خیانت پیشگی! در حالیکه بر اساس متن "پیمان استراتژیک... و پیمان نظامی" اکنون نیز با هیچ معیاری افغانستان یک کشور مستقل تعریف شده نمیتواند و نیز صحبت از «حاکمیت ملی» همان اراجیف تکراری گذشته است که دولت کرزی مزدور به منظور فریب مردم گاهی آنرا شخوار می کرد. و مسئله حضور ارتش ابر قدرت امپریالیستی امریکا و ناتو و موجودیت پایگاه های نظامی دایمی در کشور، خود بیانگر تسلط استعماری امپریالیسم امریکا بر قلمرو افغانستان است. و صحبت از استقلال و حاکمیت ملی توسط سران دولت مزدور و «روشنفکران» جیره خوار امپریالیسم و استعمار نه تنها حماقت سیاسی که شیادی و عوام فریبی است. همچنین غنی احمد زی در همین روز گفت: " فضای ما زیر کنترل ما می آید". در حالیکه مهمترین میدانهای هوایی کشور در کابل، بگرام، قندهار، شیندند، هرات، مزار شریف، شورابک (هلمند) و خوست در اشغال و کنترل نیروهای نظامی امریکا است؛ فهمیده نمی شود که از این بیعد کدام بخش از فضای

کشور زیرکنترول حکومت غنی احمدزی می آید؟! در حالیکه امنیت خود وی را ارتش امریکاتأمین میکند. و طبق گزارش دولت امریکا بیش از پنج هزار عضو "سیا" در افغانستان حضور دارند. و دولت دست نشاندۀ را در همه عرصه ها زیرکنترول گرفته اند. و سفارت امریکا در کابل نقش حاکم صاحب قدرت دولت استعمارگر را در افغانستان بعهدۀ دارد. همچنین بخش قابل ملاحظه ای از بودجه عادی و تمام بودجه انکشافی دولت مزدور توسط قدرتهای امپریالیستی پرداخت می شود؛ مصارف سالانۀ ارتش و پولیس و پولیس مخفی دولت که سالانۀ به حدود چهار میلیارد دلار بالغ می شود توسط دولت امریکا پرداخت می شود. همچنین معاشهای کلان دالری اعضای پارلمان و اعضای دولت و حکومت و شوراهای ولایتی و اعضای «شورای علما» دولت مزدور توسط قدرتهای امپریالیستی اشغالگر پرداخت میشود. تا این خابنبن به خلق و میهن بنام «نمایندگی» مردم نقشه های شوم و معاهدات ننگین استعماری امپریالیسم امریکا و ناتو رابه امضارسانده و «مشروعیت و قانونیت» ببخشند. همه اینها بر مبنای تداوم وضعیت و شرایط تداوم اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیسم امریکا و متحدین آن صورت میگیرد. و سیاست خارجی دولت مزدور مانند سابق کلاً در اختیار و کنترول امپریالیسم امریکاباقی خواهد بود. اینها موارد و مدارک غیر قابل انکاری بروضعیت مستعمره بودن کشور و نقض تمامیت ارضی افغانستان است.

برخلاف ادعاهای بی بنیاد دولت مزدور و ملابنویسهای اجیر امپریالیسم سرپای مواد «پیمان استراتژیک بین کابل - واشنگتن» خاصتاً بخش « موافقتنامه امنیتی» به لحاظ سیاسی نظامی کوچکترین شکی در وضعیت اشغال نظامی امپریالیسم امریکا و ناتو و تسلط استعماری آنها بر سرزمین افغانستان بجا نمی گذارد. و موضوع تصویب " مصئونیت قضائی" ارتش های اشغالگر توسط دولت مزدور باین معناست که پرسونل نظامی و ملکی و تمام نهادهای مربوط به امپریالیسم امریکاوناتو در افغانستان در برابر تمام جنایات و تجاوزات و وحشیگریهای آنها علیه خلق افغانستان کما فی السابق پاسخگو نبوده و امکان هیچگونه دادخواهی از جانب مردم افغانستان در برابر جنایات و تجاوزات نیروهای اشغالگر وجود ندارد. بلی! غنی احمدزی و عبدالله اشغال نظامی و تسلط استعماری و جنایات تجاوزات ارتشهای اشغالگر امریکائی را « قانونمند» ساخته اند؛ باین عبارت که دولت مزدور برای عساکر اشغالگر و تمام پرسونل غیر نظامی امپریالیسم امریکا و ناتو در برابر جرایم و جنایات و ستم و تعدیهای آنها علیه خلق مظلوم و ستمدیده افغانستان «مصئونیت و معافیت» داده شده است. و فقط دولت متجاوز و اشغالگر امریکا میتواند در چنین مواردی به جنایات و تجاوزات عساکر و سایر افرادش در افغانستان «رسیدگی کند» محتوی استعماری این پیمان غارتگرانه و اسارت آور آنقدر صریح است که جایی هیچنوع توجیه باقی و نیرنگبازی را برای دولت مزدور استعمار و امپریالیسم و « روشنفکران» تسلیم طلب و انقیاد پسند باقی نمیگذارد که بتوانند توده های خلق را نسبت به متن این پیمان اسارت آور اغوا کنند.

مردم افغانستان نباید بیش از این با ترندها و نیرنگهای قدرتهای امپریالیستی اشغالگر و مزدوران داخلی آنها اغوا شوند. سردمداران کنونی نظام استعماری و دارودسته های مربوط به آنها همان جنایتکاران و خابنبن و وطن فروشان قبلی هستند. و مردم افغانستان انتظار هیچنوع خدمت و عمل انسانی از اینها نداشته باشند. اینها همان جنایتکاران، وطن فروشان، رهنزان، اختلاس گران، رشوه خواران و غاصبین جایداد و املاک مردم هستند. و اینکه مزدور جدید استعمار و امپریالیسم (غنی احمد زی) با کمال بیشرمی صحبت از « حکومت وحدت ملی» (بخوان حکومت وحدت خابنبن و وطنفروشان) دارد و یا از «شفافیت در امور دولت» سخن گفته و خود را «خادم واقعی مردم» جامیزند، از جمله نیرنگهای جدید استعماری است که جهت فریب مردم افغانستان صورت میگیرد.

تاریخ استعمار و امپریالیسم و ارتجاع نوکران طی قرنهای و در کشورهای مختلف جهان این امر را باثبات رسانده است که امپریالیسم و استعمار و طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور از دشمنان خونخوار و آشتی ناپذیر خلقها هستند. امپریالیسم و ارتجاع هیچ زمانی «بود» نمیشوند. زیرا کسب ثروت و سود اضافی از طریق استثمار و ستم، غارتگری و جنایت و خون ریزی در سرشت امپریالیسم و طبقات ارتجاعی عجین است. و توقع غیر از این داشتن از امپریالیسم و ارتجاع (مانند اینکه مثنی از منشیهای بومی خادم امپریالیسم و استعمار و ارتجاع خلاف آن را برای مردم تبلیغ میکنند) کودنانه و مغرضانه است. خلق ما

طی تاریخ طولانی به دفعات ضربات سهمگین جنایات و خیانتها و وطن فروشیهای طبقات حاکم ارتجاعی خاصناً در چهاردهه اخیر از این باندهای حاکم را با گوشت و استخوان شان لمس کرده اند. و بیش از این نباید فریب قول و قرارها و وعده و وعیدهای این خود فروخته های شیدار را بخورند و لفاظیها و چرب زبانیهای آنها را قبول کنند. خلق افغانستان در سیزده سال اخیر نه تنها در زیر آتش طیارات و توپ و تانک قدرتهای امپریالیستی اشغالگر و دولت مزدور قرار داشته اند که زیر امواج تبلیغات زهر آگین و گمراه کننده امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور و گروه های سیاسی جیره خوار استعمار و امپریالیسم (که برخی آنها بشکل گروه های "چپ" ظاهر شده اند) چنان متوهم شده اند، اکنون که امپریالیستها مزدور جدیدی را بر رأس دولت دست نشانده نصب کرده اند، برخی غافلانه و متوهمانه تصور می کنند که بهبودی در وضعیت زندگی و سرنوشت سیاسی آنها بوجود خواهد آمد و مشکلات و مصایب و بدبختیهای آنها مرتفع خواهد شد. در حالیکه هرگز چنین نبوده و نخواهد شد. تاریخ شاهد است که در هیچ خطه و کشوری در جهان استعمار و امپریالیسم در جهت آبادانی آن و خدمت به مردمان آن نیامده است. امپریالیسم یعنی استعمار و ستم، غارتگری، جنایت، سفاکی و هر نوع اعمال ضد اخلاقی و ضد بشری است. که همه اینها را بکمک طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور در کشورهای تحت سلطه انجام میدهد.

و نیز مضاف بر ستم و مظالم و جنایات و تجاوزات ارتشهای اشغالگر و دولت مزدور، مظالم و جنایات گروه های ارتجاعی و مزدور طالبان و گلب الدین و حقانی توده های خلق مظلوم را به مرز غیر قابل تحمل رسانده است. و تازمانیکه این جنگ غارتگرانه بین این باندهای جنایتکار و مزدور با امپریالیستهای اشغالگر و دولت دست نشانده ادامه یابد، کشتار خلق ما و وحشت و ناامنی در کشور همچنان ادامه خواهد یافت. اینکه مزدور جدید (غنی احمدزی) این گروه هارا منحیث مخالفین سیاسی دعوت به «صلح» و آشتی مینماید مسئله روشن است. زیرا مخالفت و تضاد بین دولت دست نشانده و امپریالیستهای اشغالگر و این گروه ها از جمله تضاد بین دسته بندیهای ارتجاعی امپریالیستی است و هر زمان که منافع آنها اقتضای مینماید باهم صلح میکنند. و در فضای تفاهم و دوستی به استعمار و ستم و غارتگری خلق مظلوم ادامه میدهند. و اینکه امپریالیسم امریکا منحیث قدرت استعماری مسلط بر افغانستان و دولت دست نشانده با گروه های طالبان و گلب الدین چه زمانی و چگونه به توافق رسیده و «صلح» خواهند کرد، مربوط به اقتضای منافع پلید و استراتژی غارتگرانه امپریالیسم امریکا در افغانستان و منطقه است. لیکن تضاد بین توده های خلق افغانستان و امپریالیسم و طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور از جمله تضاد های آشتی ناپذیر است که با سرنوشتی قهری سلطه استعماری امپریالیسم و حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور حل میگردد. توده های خلق بر اساس خصلت طبقاتی شان هیچ نوع منافع مشترک در هیچ سطحی با امپریالیسم و طبقات ارتجاعی حاکم (دولت مزدور) و این گروه های جنایتکار و مزدور ندارند. لذا صحبت از «صلح» با گروه طالبان و گلب الدین و حقانی از جانب خلق افغانستان هیچگاهی مطرح نبوده و نخواهد بود. و توده های خلق با دولت دست نشانده استعمار و امپریالیسم و همه این جناح ها و حامیان امپریالیستی و منطقه ای آنها تضاد آشتی ناپذیر دارند که فقط از راه مبارزه انقلابی توده های خلق تحت رهبری حزب انقلابی طبقه کارگر قابل حل اند.

- واژگون باد امپریالیستهای اشغالگر امریکائی و ناتو و دولت مزدور!

- نابود باد امپریالیسم بین المللی و ارتجاع مزدوران!

- پیروزیاد مبارزات انقلابی خلق افغانستان!

8 اکتوبر 2014

(پولاد)